

افغانستان آزاد - آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسئله ایندولوژیک

الحاج داکتر امین الدین « سعیدی- سعید افغانی »

۲۵ نومبر ۲۰۱۶

تفسیر احمد - ۲۹

ترجمه و تفسیر سوره الكوثر - ۱

سوره «الکوثر» در « مکه مکرمه» نازل شده و دارای ۳ آیت است.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ (۱) فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَأَنْحَرْ (۲) إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ (۳)

ترجمه آیات:

بسم الله الرحمن الرحيم

به نام الله بخشنده مهربان

« إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ » (۱) (ای پیامبر) به راستی که ما به تو کوثر عطا کردیم.

« فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَأَنْحَرْ » (۲) (پس برای پروردگارت نماز بخوان و قربانی کن)

« إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ » (۳) (بدون شک دشمن تو، بریده نسل و بی عقب است)

معلومات موجز:

این سوره در مکه مکرمه نازل شده و از جمله سوره های مکی به شمار می رود.

سوره کوثر دارای (۱) رکوع، و (۳) سه آیت، و (۱۱) یازده کلمه، و (۳۷) سی و هفت حرف، و (۱۸) نقطه می باشد که

از کوچکترین سوره های قرآن کریم به شمار می رود .

این سوره به قول مشهور و قول جمهور مفسران، طوری که یاد آور شدیم از جمله سوره های مکی است. ولی حسن،

عکرمه و قتاده گفته اند که سوره کوثر مدنی است، که البته رأی ابن کثیر نیز همین است.

معانی کلمه ها :

« إِنَّا »: به درستی ما
«أَعْطَيْنَاكَ» عطا کردیم ما تو را
«الْكُوْثِرَ» خیر کثیر، حوض کوثر
«فَصَلِّ» پس نماز بگذار
«لِرَبِّكَ» برای پروردگار خویش
«و انْحَرْ» و قربانی کن
«إِنَّ» همانا، به درستی که
«شَانِئُكَ» دشمن تو ، بدخواه تو
«هُوَ الْأَبْتَرُ» او نسل بریده یا دم بریده است.

علل نام گزاری سوره کوثر:

در مورد این که چرا این سوره به نام « الكوثر » مسمی گردیده است رأی اکثر مفسرین بر این است که آغاز و افتتاح آن به: « إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكُوْثِرَ » گردیده است.

وجه تسمیه:

این سوره در حدیثی که از انس بن مالک (رض) روایت گردیده آمده است: «رسول الله صلی الله علیه وسلم به خواب سبکی فرو رفته بودند سپس تبسمکنان سرشان را از خواب برداشتند و خطاب به اصحاب گفتند: آیا می‌دانید که دلیل تبسم چه بود؟ یا اصحاب از ایشان دلیل تبسم ایشان را پرسیدند. فرمودند: همین حالا بر من سوره ای نازل شد. سپس به تلاوت آن پرداختند تا سوره را ختم نمودند. سپس از اصحاب خود پرسیدند: آیا می‌دانید که کوثر چیست؟ اصحاب گفتند: خدا و رسولش داناترند. فرمودند: کوثر نهی است که خدای عزوجل در بهشت به من عطا کرده است و بر آن خیری است بسیار، اتم در روز قیامت بر آن وارد می‌شوند و ظروف آن به شماره ستارگان است پس بنده‌ای از آن ربوده می‌شود و من می‌گویم: پروردگارا! آخر او از امت من است. اما به من می‌گویند: تو نمی‌دانی که آنان بعد از تو چه پدید آوردند؟».

کوثر در لغت عرب:

کوثر از خیر کثیر است، یعنی خیری است که در منتهای بسیاری و فراوانی قرار داشته باشد بنابراین، این کلمه شامل هر خیری می‌شود که به رسول اکرم صلی الله علیه وسلم عنایت گردیده است، اعم از حوض کوثر و دیگر خیرها و برکت‌ها.

کوثر عطای بزرگی است که پروردگار با عظمت ما به پیامبر ما صلی الله علیه وسلم در قیامت بخشیده است که او و امتش بر آن وارد می‌شوند.

وصف آب کوثر مطابق نصوص به ترتیبی است که نسبت به شیر، سفیدتر، از برف سردتر و از عسل شیرین تر است و از مشک و عطر، خوش بوتر است و آن در نهایت گشایش و وسعت می‌باشد.

طول و عرض حوض کوثر:

طول و عرض حوض کوثر مطابق روایات اسلامی برابر است هر گوشه از گوشه های آن مسیر یک ماه است. علماء در وصف آب کوثر می گویند که آب آن از جنت می آید. و به اصطلاح آبراه و ناودان آن از جنت کشیده شده یکی از آنها از طلا و دیگری از نقره است و ظرفهای آن که تعداد آن به اندازه ستارگان آسمان است.

شرح آیات:

إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكُوْثَرَ: ما به تو خیر فراوان دادیم! روی سخن در تمام این سوره به پیامبر صلی الله علیه وسلم است، مانند سوره والضحی و سوره الم نشرح - و یکی از اهداف مهم هر سه سوره، تسلی خاطر آن حضرت در برابر انبوه حوادث دردناک و زخم زبانهای مکرر دشمنان است.

در این سوره دو خبر غیبی نهفته است:

یکی این که: عطا شدن کوثر به پیامبر، آن هم در مکه معظمه که پیامبر صلی الله علیه وسلم دست خالی بود و فرزند پسر نداشت، دیگر ابتر ماندن دشمن که دارای فرزندان و ثروت های بسیار بود.

بناءً پروردگار با عظمت ما با زیبایی خاصی می فرماید «إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكُوْثَرَ». (ما به تو کوثر) خیر و برکت فراوان (عطا کردیم).

«أَعْطَيْنَا» به معنای دادیم و بخشیدیم است که این ظرافتی که در «أَعْطَيْنَا» وجود دارد اعطاء است و در اعطاء نوعی حرمت برای آن کسی که چیزی را می گیرد وجود دارد و در حقیقت وقتی می خواهند حرمت بگذارند می گویند ما عطا کردیم و نکته دیگر، با این که ما می دانیم فاعل أَعْطَيْنَا الله است ولی در عین حال این با صیغه جمع به کار رفته به جای این که بگوید من به تو این را دادم می گوید ما داده ام که با نوعی حشمت و جبروت و موضع بالا و قدرت همراه است.

«اعطینا» طوری که در فوق یاد آور شدیم عطا به معنای مطلق بخشش است. بخششی که اگر از طرف الله باشد طبیعتاً بخششی بی منت است. و اگر این بخشش از جانب غیر الله باشد، می تواند بی منت باشد و یا هم با منت باشد. همچنان اگر این بخشش از طرف خداوند باشد در انسان تحول مثبت ایجاد می کند و اگر دهنده غیر خدا باشد، ما هر لحظه باید منتظر تحقیر باشیم، یا منتظر باشیم که پشیمان شود و آن را از ما پس بگیرد. تنها دهنده ای که به خیال آرام و مطمئن به انسان چیزی ارزانی می فرماید فقط پروردگار با عظمت است که هر چه را که به ما داده است از ما نمی گیرد. ولی متأسف هستیم که کمترین شکران نعمت را هم انسان از خداوند به عمل می آورد.

بیشترین تشکر را در رابطه با کسانی دارد که کمترین ها را می دهند و منتظر بیشترین تشکرها هستند. در تفسیر جلوه های از اسرار قرآن کریم در سوره الکوثر می نویسد:

«صیغهُ «اعطینک» به تو عطا کردیم این مطلب را می رساند که مراد از کوثر نعمت هائی است که به پیامبر صلی الله علیه وسلم عملاً داده شده است، نعمت هائی که پیامبر صلی الله علیه وسلم با تمام وجود خود آن را احساس می کند، و چنان برایش قابل درک است تذکر و توضیح - نیز ضرورتی احساس نمی شود، اطلاق الکوثر بر نعمت هائی که در اختیار پیامبر صلی الله علیه وسلم قرار می گیرند و یا در بهشت به او عنایت می شود با روحیه سوره و الفاظ آن نمی سازد.»

فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَ انْحَرْ: یعنی سریع به خاطر آن بخشش کثیر الخیری که به تو عنایت شده تقاضای انجام دو عمل به میان آمده است، اولین عمل این است که برای پروردگار خویش نماز را بر پا دار، و به اصطلاح مفسرین (ارتباط مستقیم با خالقت خویش برقرار کن).

دومین خواست اینست که به خاطر نعمت عظمی، که برایت داده شده است قربانی کن.

پروردگار با عظمت می فرماید: به شکرانه این نعمت‌ها خالصانه برای ما بر نمازهای فرض خویش مداومت کن «و قربانی کن» برای رضای ما و به نام ما، نه مانند بت‌پرستان که برای غیر ما قربانی می‌کنند. و کسانی از مشرکان بودند که برای غیر الله نماز گزارده و برای غیر وی قربانی می‌کردند لذا خداوند متعال به پیامبرش فرمان داد که نماز و قربانی‌اش باید خالصانه برای وی باشد.

قتاده، عطاء و عکرمه می‌گویند: مراد از (وَإِنْ حَرُّ) ادای نماز عید اضحی و ذبح قربانی در آن است. اما ابن‌کثیر می‌گوید: «صحیح آن است که مراد از نحر، ذبح حیوانات هدیه و قربانی در حج و مناسک می‌باشد». ابن‌کثیر در این باره حدیثی را نیز نقل کرده است.

وظیفه‌ای که خداوند متعال برای انسان‌ها در مقابل نعمت‌های اعطا شده بیان کرده است، شکر نعمت است ولی نکته‌ای که باید به آن توجه کرد این است که بین نعمت و تشکر تناسب لازم است، این بدین معنی است هر چه که حجم نعمت بزرگتر و عظیمتر باشد، ضرورت به تشکر بیشتری را می‌نماید.

پروردگار با عظمت ما در این سوره به دادن نعمت کوثر به پیامبر صلی الله علیه اشاره نموده است، «کوثر» وصف است که از «کثرت» گرفته شده، و به معنی خیر و برکت زیاد و فراوان است، بناءً این نعمت عظیم و خیر فراوان، شکرانه عظیم لازم دارد لذا خداوند در مقابل این نعمت دو وظیفه را بر دوش پیامبر صلی الله علیه وسلم قرار می‌دهد، و می‌فرماید: «فصل لربک و انحر»؛ اکنون که چنین است فقط برای پروردگارت نماز بخوان و قربانی کن.

ملاحظه می‌فرمائید: اولین وظیفه‌ای که به عنوان تشکر از کوثر قرار می‌گیرد نماز است، نماز جامع‌ترین و کاملترین نوع عبادت است که در آن هم قلب باید حضور داشته باشد با قصد قربت و هم زبان با تلاوت حمد و سوره و هم بدن با رکوع و سجود.

دومین وظیفه که به عنوان تشکر از کوثر قرار می‌گیرد: نحر کردن است یعنی قربانی است، کلمه «وانحر» از ماده «نحر» است که مخصوص کشتن شتر است و شاید علت آوردن تعبیر «و انحر» به خاطر این است که در میان قربانیها شتر از اهمیت بیشتری برخوردار بوده و مسلمانان علاقه بسیار به آن داشتند و قربانی کردن شتر بدون ایثار و گذشت ممکن نبود و چون خداوند خواسته بین نعمت (کوثر) و شکر آن تناسب داشته باشد دستور به «نماز» و «کشتن شتر» داده است.

نماز یک نوع عبادت است که برای غیر الله معنا ندارد مخصوصاً با توجه به مفهوم «رب» که حکایت از تداوم نعمت‌ها و تدبیر و ربوبیت پروردگار دارد، زیرا «رب» از کلمه «ربب» به معنای مالکی است که امر مملوک خود را تدبیر می‌کند. این دستور خداوند «فصل لربک» در برابر اعمال مشرکان است که برای بُت‌ها سجده و قربانی می‌کردند، در حالی نعمتهای خود را از خدا می‌دانستند. به هر حال تعبیر «لربک» دلیل روشنی است بر لزوم قصد قربت در عبادات.

ارتباط «فصل» با «وانحر» چیست؟

برای این که ارتباط بین این دو جمله مشخص شود باید ابتداءً به تفسیرهایی که از «و انحر» شده است بپردازیم و در ذیل آن به ارتباط این دو جمله اشاره کنیم:

الف: «نحر» به معنای کشتن شتر به نحو مخصوص است و شاید علت امر به «نحر» بعد از دستور به نماز، اشاره به ارتباط بنده با بندگان بعد از ارتباط بنده با الله باشد؛ یعنی اگر انسان باید با خدا ارتباط داشته باشد نمی‌تواند ارتباط

خودش را با جامعه قطع کند و به فکر فقراء و مستمندان نباشد، بلکه باید هر دو ارتباط را تقویت کند.
ب: منظور از جمله «وانحر» رو به قبله ایستادن به هنگام نماز است، چرا که ماده «نحر» به معنای گلوگاه می باشد، سپس عرب آن را به معنای «مقابله با هر چیز» استعمال کرده است.

در اینجا نیز که خداوند دستور به ایستادن رو به قبله دارد، در واقع به یکی از شرایط نماز اشاره نموده است.
ج: منظور بلند کردن دستها به هنگام تکبیر و آوردن آن در مقابل گلوگاه و روی و صورت است.
دروس آموزنده از آیه «فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَ انْحَرْ»:

دروس آموزنده ای که از آیت «فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَ انْحَرْ» می توان استنباط کرد اینست:

- نعمت ها حتی برای پیامبر اسلام مسؤولیت آور است . (اعطیناک ... فصل)
- تشکر باید فوری باشد. (فصل) «حرف فاء برای تسریع است»
- دستورات دینی، مطابق عقل و فطرت است. عقل تشکر از نعمت را لازم می داند ، دین هم به همان هدایت می فرماید. (فصل لربیک و انحر)

- چون عطا از او است (انا اعطینا) تشکر هم باید برای او باشد. (فصل لربیک)
- رابطه با الله بر رابطه با خلق مقدم است. (فصل ... و انحر)
- انفاقی ارزش دارد که در کنار ایمان و عبادت باشد. (فصل لربیک و انحر)
- نمازی ارزش دارد که خالصانه باشد. (لربیک)

«إِنَّ شَانِيَكُمْ هُوَ الْأَيْتُرُ» (یقیناً دشمن تو دم بریده است.) مفسر تفسیر جلوه های از اسرار قرآن در این مورد می نویسد :
از این آیت متبرکه طوری معلوم می شود که این سوره در زمانی نازل گردیده است که دشمنان پیامبر صلی الله علیه وسلم و یاران او را در مکه به محاصره کشانیده ، مقاطعه عمومی علیه آنان اعمال گردیده ، رابطه اش را با همه اقوام و قبایل مکه قطع نموده و احساس کرده اند که پیامبر صلی الله علیه وسلم را از مردم تجرید نموده و راه های نفوذ بین مردم را بسته اند ، (جلوه ها هائی از اسرار قرآن در تفسیر سوره الكوثر)
همچنان در آیت دو موضوع قابل ذکر است:

- ۱- وجود دو تأکید (إِنَّ و هُوَ) نشانه آن است که دشمن و بدخواه تو بدون نسل خواهد ماند
- ۲- شانی اسم فاعل است یعنی شامل دشمن گذشته ، حال و آینده می شود پس دشمن پیامبر در همه زمان ها بدون نسل خواهد بود .
ادامه دارد